

تحلیلی بر ساختار اشتغال در شهرستان‌های بویراحمد، کهگیلویه، دنا، بهمنی، باشت، گچساران و چرام در استان کهگیلویه و بویراحمد بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ به روش ضریب مکانی (LQ)

علی عسکر وحیدی راد^۱

^۱ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی مدرس دانشگاه پیام نور و علمی
کاربردی هلال احمر و علمی کاربردی یاسوج

نام نویسنده مسئول:

علی عسکر وحیدی راد

چکیده

امروزه اکثر ممالک توسعه یافته جهان و سرزمین‌های بزرگ برخوردار از جمعیت‌های انبوه راه رفع بحران بیکاری و دستیابی به اشتغال پایدار را در ایجاد ارتباطی نظام‌وار و منطقی بین بخش‌های مختلف اقتصادی (کشاورزی- صنعت و خدمات) در گستره قلمرو ملی یافته‌اند. چنانچه در محافل و منابع علمی پیوستگی بین ساختار اقتصادی حاکم در بخش‌های سه گانه را به عنوان شاخص در توسعه یافتگی و گسست بین آن‌ها را عاملی در عقب ماندگی می‌دانند. در این راستا مقایسه و انجام تحلیلی تطبیقی از شاخص‌های اشتغال و فعالیت در سطوح مختلف توسعه اعم از ملی، استانی و شهرستانی، می‌تواند در شفاف سازی وضعیت هر قلمرو جغرافیایی به لحاظ تعادل یا عدم تعادلات مکانی در بخش‌های مختلف اقتصادی مؤثر باشد. در مقاله پیش رو که با روش تحقیقی اسنادی (کتابخانه‌ای) به رشته تحریر درآمده است ضمن بهره گیری از مؤلفه‌های اقتصادی مندرج در نتایج تفصیلی حاصل از سرشماری عمومی نفوس مسکن سال ۱۳۹۰ (همچون تعداد جمعیت فعال و تعداد شاغلین در بخش‌های مختلف) به کمک روش علمی ضریب مکانی (Location-Quotient) که از جمله روش‌های معمول در نظریه پایه اقتصادی (Economic Base Theory) و توسعه منطقه‌ای می‌باشد نسبت به تعیین بخش‌های اقتصادی پایه (Basic) یا صادرات (Export) و خدمات (service) یا ناپایه (Non-Basic) در هر یک از شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد مبادرت شده است. از جمله نتایجی که با عنایت به مجموعه نمودارهای خطی و جداول آماری مشهود و قابل تعمق می‌باشند عبارتند از: ۱- ظهور بخش خدمات در شهرستان‌های بویراحمد، کهگیلویه و گچساران به عنوان بخشی پایه و در سایر شهرستان‌های استان به صورت بخشی غیرپایه. ۲- ظهور بخش صنعت در شهرستان‌های گچساران، کهگیلویه و چرام به عنوان بخشی پایه و در سایر شهرستان‌ها به صورت بخشی غیر پایه. ۳- تبدیل بخش کشاورزی در شهرستان‌های دنا، بهمنی، چرام، باشت و کهگیلویه به بخش پایه و در سایر شهرستان‌های استان به بخشی غیر پایه. ۴- ظهور کمترین عدم تعادل در بخش خدمات شهرستان‌های بویراحمد، کهگیلویه و گچساران با ضریب مکانی نزدیک به هم.

واژگان کلیدی: ساختار اشتغال، ضریب مکانی، توسعه منطقه‌ای، کهگیلویه و بویراحمد، بخش‌های اقتصادی.

مقدمه

رشد روز افزون جمعیت و پایین بودن ظرفیت‌های تولید، باعث به وجود آمدن بحران بیکاری در دهه اخیر شده است و اذهان را به این فکر انداخته است که برای ساماندهی اقتصادی و کاهش بیکاری، برنامه ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها در چه جهتی باید صورت گیرد. در این میان، بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف اقتصادی با پتانسیل‌های متفاوت اشتغال زایی، گزینه‌های متعددی را پیش روی مسئولان و سیاستگذاران قرار داده‌اند. برای تعیین مناسبترین گزینه جهت اشتغال زایی و با توجه به نقش انکارناپذیر سرمایه در تأمین اشتغال باید تأثیر سرمایه گذاری در ایجاد فرصت‌های شغلی در اقتصاد مورد نظر مشخص باشد (باللی، خلیلیان، ۱۳۸۲: ۱۱۷).

پدیده بیکاری یکی از معضلات مهم اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود که موجب بروز ناهنجاری‌های فراوان در زمینه‌های گوناگون می‌شود. جامعه ما نیز با افزایش تعداد بیکاران مواجه می‌باشد و اگر با این پدیده از ابتدا و به صورت ریشه‌ای مقابله نشود بحران‌های بزرگ و جبران ناپذیری ایجاد خواهد شد که رویارویی با آن انرژی و وقت بسیار می‌خواهد. در نقاط شهری و روستایی استان‌های کشورمان امکانات و توانمندی‌های بسیاری بصورت بالقوه و بالفعل وجود دارد که اگر ساماندهی شوند می‌توانند فعالیت‌های مولد و اشتغال زایی بسیاری ایجاد نمایند (احمدی کیش و همکاران، ۱۳۹۰).

امروزه اکثر ممالک توسعه یافته جهان و سرزمین‌های بزرگ برخوردار از جمعیت‌های انبوه راه دفع بحران بیکاری و دستیابی به اشتغال پایدار را در ایجاد ارتباطی نظام وار بین بخش‌های سه گانه اقتصادی (کشاورزی، صنعت، خدمات) در گستره قلمرو ملی یافته‌اند. چنانچه طبق یکی از اصول نظریه رشد متعادل (Balanced Growth) وابستگی متقابل بین بخش‌ها و زیربخش‌های اقتصادی منجر به ایجاد بازار برای یکدیگر و در نتیجه باعث از بین رفتن کمبود تقاضا، حتی بدون اتکا به بازارهای خارجی می‌گردد (گروه مولفان، ۱۳۷۴).

مشخص است که فرایند تغییر در ساختار اشتغال در دهه‌های اخیر قرن بیستم در جهان رو به رشد متنوع بوده است. بهر حال با وجود تغییرات منطقه‌ای، پیش بینی برتری رشد یافته‌ی دستمزد کاری گذشته از زمان خصوصاً برای بخش‌های صنعتی و بازرگانی معتبر و مؤثر بوده است. همچنین کاهش در کار فامیلی پرداخت نشده پدیده‌ی مهم و قابل توجه خصوصاً نسبت به کشاورزی است کهان هم مطابق با پیش بینی‌های گسترده مطابق می‌باشد. از سوی دیگر، ما همچنین پی برده‌ایم که بخشی که به رشد اشتغال منجر می‌شود صنعتی نمی‌باشد به استثنای بخش بازرگانی، بخشی که رشد گرایش‌های اشتغال موازی هم دستمزد کاری افزایش یافته و کاری خانوادگی را اثبات می‌کند. برخی نتیجه گیری‌های طبقه بندی شده و به سبک در آمده شده ممکن است درست باشد (nomaan, 2005).

تغییرات ساختار اشتغال پیامدهای متنوعی، شامل سطوح بالاتر بیکاری گسترده، رشد غیر رسمی اشتغال، فشار متمایل به پایین در مورد بازگشت به کار، و توزیع مجدد خطر از سرمایه به کار را در پی دارد. پیامدهای اشتغال خاص مربوط به نهادهای داخلی و فعالیت‌های ساختاری می‌باشد (heintz, 2010).

لذا با عنایت به مطالب پیش گفته و نیز اهمیت اشتغال در نواحی روستایی، تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به سؤالات اساسی ذیل می‌باشد: آیا بین شهرستان‌های استان به لحاظ نوع و میزان اشتغال ناهمگونی و عدم تعادل وجود دارد؟ آیا این ناهمگونی و عدم تعادل در مقایسه بین ظرایب مکانی و بخش‌های اقتصادی پایه مشهود است؟

مبانی نظری تحقیق

یکپارچگی جهانی اقتصادهای تحت نظر رویه‌های حکومتی تأثیر اساسی را بر روی اشتغال در سطح جهانی داشته است، اگرچه روش‌های متمایز در کشورهای مختلف را نیز داشته است (heintz, 2010). به طور کلی اشتغال و شاخص‌های مربوط به آن مبین کیفیت اقتصادی جمعیت است. چنانچه بسیاری از اندیشمندان توسعه و علوم اقتصادی، شاخص اشتغال را نبض قابل سنجش میزان سلامت و رکود و فلاکت اقتصادی جامعه قلمداد می‌کنند و از این دیدگاه، با بیکاری، رکود، تورم و فقر به یکدیگر پیوسته‌اند و تأثیر چرخان و متقابل آن‌ها می‌تواند اقتصاد ملی را به سقوط مطلق سوق دهد (محمدی و نمکی، ۱۳۷۵).

(کلوسترمن و همکارانش، ۲۰۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان تجزیه و تحلیل پویای تغییر سهم بیان کردند که رویکرد ایستای مقایسه‌ای تغییرات مستمر در هر دو ترکیب صنایع و اندازه کل اشتغال منطقه در دوره بررسی را محاسبه نمی‌کند، که این مشکل را می‌توان از طریق تحلیل‌های پویا و به کارگیری آمار سالیانه از بین برد.

زیاری (۱۳۸۰) در تحقیقی به بررسی و تحلیل و برنامه ریزی اشتغال در استان یزد پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مهم‌ترین بخش اشتغال را مالی و تجاری بوده است.

توسعه اعم از ملی، استانی و شهرستانی، می‌تواند در شفاف سازی وضعیت هر قلمرو جغرافیایی به لحاظ تعادل و یا عدم تعادلات مکانی در بخش‌های مختلف اقتصادی مؤثر باشد. علاوه بر این در این راستا مقایسه و انجام تحلیلی تطبیقی از شاخص‌های اشتغال و فعالیت در سطوح

مختلف انجام چنین مقایسه‌ای میان حوزه‌های جغرافیایی کوچکتر همچون شهرستان‌های یک استان نه تنها پیامدهای عینی اعمال سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی خاص مدیران، برنامه ریزان و مسئولین امر را نشان می‌دهد، بلکه مبین توان‌ها و تنگناهای طبیعی - اکولوژیکی حاکم نیز می‌باشد. با این حال در صورت اعتقاد به اصل امکان گرایی، انسان، خلاقیت و مدیریت وی در هر حال جاری و نافذ است. در مقاله پیش رو به کمک روشی علمی پس از تعیین ضریب مکانی اشتغال در هر یک از بخش‌های اقتصادی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد وضعیت آن‌ها در مقایسه با یکدیگر و در ارتباط با میانگین استانی بررسی و تحلیل شده و سرانجام رهنمودهایی چند جهت حصول تعادل مکانی و توسعه پایدار در استان و شهرستان‌های تابعه، با رویکرد ایجاد اشتغال کامل ارائه گردیده است.

اهداف تحقیق:

- ۱- شناخت تفاوت‌های مکانی (شهرستانی) به لحاظ نوع و میزان اشتغال در استان کهگیلویه و بویراحمد.
- ۲- شناخت و تعیین تصویری روشن از بخش‌های مختلف اقتصادی در استان کهگیلویه و بویراحمد شامل: بخش‌های پایه (Basic)، صادرات (Export) و خدمات (service) یا ناپایه (None-Basic).
- ۳- ارائه راهبردهایی چند در راستای دستیابی به یک تعادل مکانی - فضایی پایدار با عنایت به نتایج حاصله.

فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه‌های مورد نظر در این مقاله را می‌توان به دو گروه زیر تفکیک و ارائه نمود:
الف: فرضیات زیر که بر اساس روش علمی به کار رفته، مورد بررسی هستند و شامل:
خود کفا بودن استان در فعالیت‌های مورد بررسی.
برقراری سطحی برابر در بهره وری نیروی کار بین شهرستان و استان.
حاکمیت الگوی مصرف مشابه بین شهرستان و استان.
عدم وجود صادرات و واردات همزمان برای یک محصول، چنانچه باعث کم شماری بخش پایه شود.
ب: فرضیه‌های خاص تحقیق که مبتنی بر اهداف و حوزه مطالعاتی موردنظر است که شامل:
بین شهرستان‌های استان به لحاظ نوع و میزان اشتغال ناهمگونی و عدم تعادل وجود دارد.
این ناهمگونی و عدم تعادل در مقایسه بین ظرایب مکانی و بخش‌های اقتصادی پایه مشهود است.
تنوع در ساختار مکانی - فضایی حاکم به همراه ماهیت برنامه ریزی صورت گرفته در استان، باعث ظهور بخش‌های اقتصادی خاص در برخی از شهرستان‌ها به صورت پایه و بخش‌هایی به صورت غیرپایه شده است، با این حال هیچ یک از شهرستان‌ها از توسعه موزون و همه جانبه ای در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات برخوردار نمی‌باشند.

روش تحقیق

مقاله حاضر بر مبنای روش تحقیق اسنادی (کتابخانه‌ای) به رشته تحریر درآمده است. بر این اساس استفاده از نتایج تفصیلی حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد و استخراج و محاسبه مؤلفه‌های اقتصادی جمعیت اعم از تعداد جمعیت فعال، تعداد شاغلین و درصد اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی، ضرورتی اجتناب ناپذیر، در راستای دستیابی به اهداف مورد نظر و پاسخ به فرضیات مطروحه می‌باشد. ضمن اینکه با به کارگیری روش علمی ضریب مکانی (LQ)، از جمله روش‌های معمول در نظریه پایه اقتصادی که خود جزئی از نظریات توسعه منطقه‌ای می‌باشد، نسبت به تعیین بخش‌های اقتصادی پایه یا صادرات و خدمات یا ناپایه در هر یک از شهرستان مبادرت شده است.

یافته‌ها

موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی استان کهگیلویه و بویراحمد:

استان کهگیلویه و بویراحمد با مساحت ۱۶۲۶۴ کیلومترمربع در جنوب غربی ایران قرار دارد. این استان بین دو مدار ۲۹ درجه و ۵۲ دقیقه و ۳۱ درجه و ۲۶ دقیقه شمالی و نصف النهارهای ۴۹ درجه و ۵۵ دقیقه و ۵۱ درجه و ۵۳ دقیقه شرقی قرار گرفته است و از شمال به استان‌های اصفهان و چهارمحال بختیاری، از شرق با فارس از جنوب با فارس و بوشهر و از غرب با خوزستان همسایه است.

شهرستان بويراحمد:

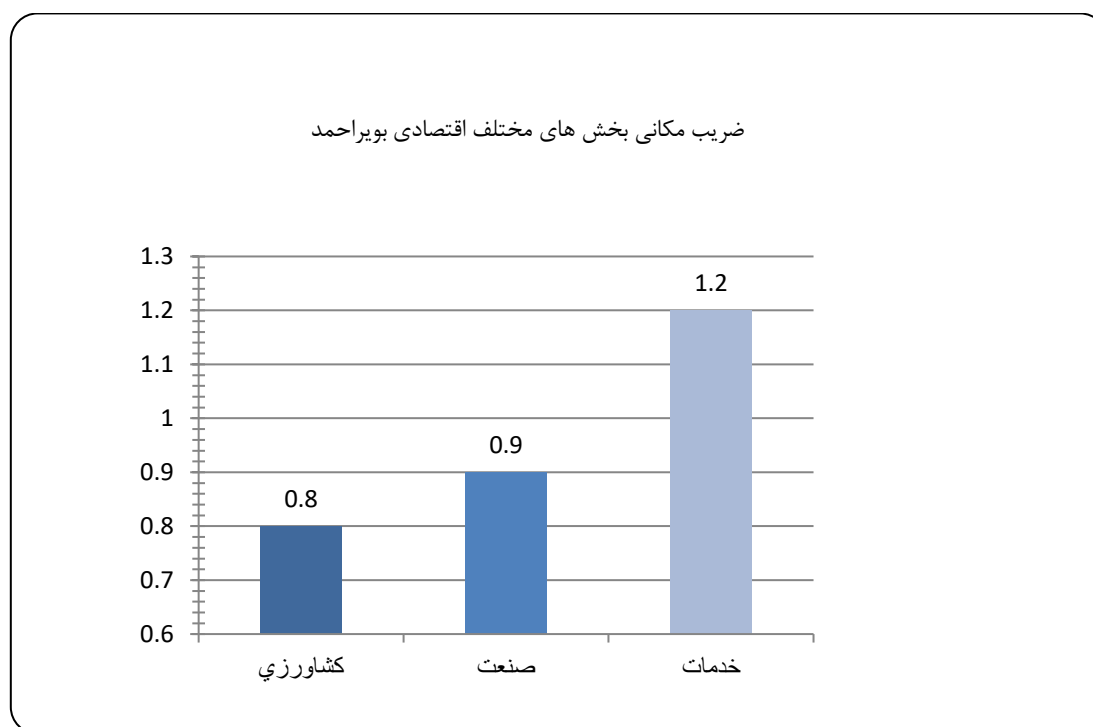
این شهرستان با مرکزیت یاسوج، جمعیتی معادل ۲۵۲۷۴۶ نفر را به خود اختصاص داده است که از این تعداد ۲۶/۸۷ درصد شاغل و بقیه در زمرهٔ بیکاران جویای کار، محصلین، زنان خانه دار و..... قرار می گیرند.

به لحاظ میزان اشتغال شهرستان بويراحمد با ۲۶/۸۷ درصد جمعیت شاغل رتبه هفتم را در استان دارا می باشد. مقایسه درصد اشتغال در بخش های سه گانه اقتصادی حکایت از رونق بخش خدمات با ضریب مکانی (LQ) ۲/۱ و فراهم سازی زمینه اشتغال ۵۱ درصد از کل جمعیت شاغل در این شهرستان می باشد. بنابراین بخش خدمات به عنوان بخشی پایه در شهرستان مذکور محسوب می گردد. بخش کشاورزی با ضریب مکانی ۰/۸ و فراهم سازی زمینه اشتغال ۲۵ درصد از کل جمعیت فعال، جزء بخش های غیرپایه یا خدماتی به شمار می رود.

در بخش صنعت ضریب مکانی شهرستان با رقم ۰/۹ می باشد با این حال بخشی غیرپایه محسوب می گردد. وجود شهرستان گچساران باعث شده که شاغلین این بخش کم شده که این موضوع ناشی از توجه بیش از حد به بخش خدمات می باشد. در مقابل بخش خدمات از تراکم بالایی برخوردار می باشد. بنابراین به نظر می رسد تعریف عملکرد اداری- دانشگاهی برای مرکز شهرستان (یاسوج) در افزایش ضریب مکانی این بخش بی تأثیر نبوده است.

گسست و فاصله بین بخش های اقتصادی با عنایت به ضرایب مکانی حاصله از ویژگی بارز اقتصاد حاکم شهرستان بويراحمد می باشد.

شکل ۱: مقایسه ضریب مکانی (LQ) بخش های مختلف اقتصادی در شهرستان بويراحمد



جدول ۱: میزان اشتغال و ضریب مکانی بخش های اقتصادی شهرستان بويراحمد

شاخص بخش	کشاورزی	صنعت	خدمات
تعداد شاغلین	۱۲۷۵۰	۱۲۰۸۸	۲۵۸۹۷
درصد اشتغال	۲۵	۲۴	۵۱
ضریب مکانی	۰/۸	۰/۹	۱/۲

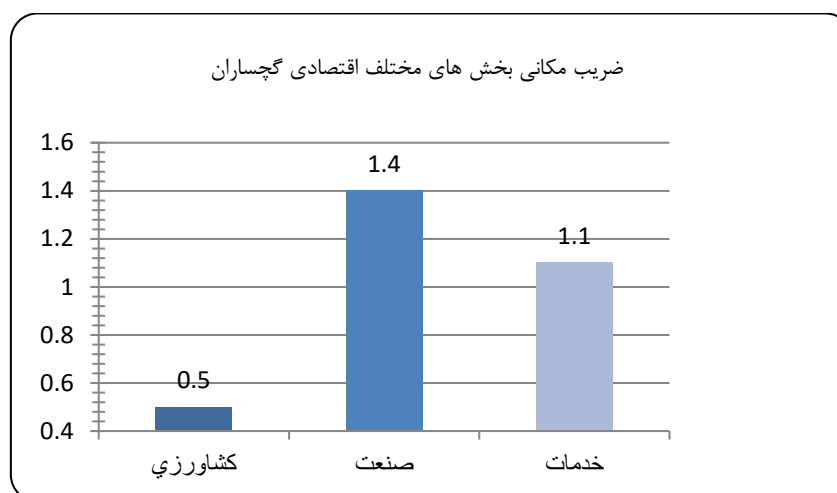
شهرستان گچساران:

این شهرستان دارای ۱۱۹۲۱۷ نفر جمعیت می باشد که از این لحاظ بعد از شهرستان های بویراحمد و کهگیلویه در رتبه سوم قرار دارد. ۳۰/۳۷ درصد از جمعیت شهرستان شاغل و بقیه به لحاظ اقتصادی غیرفعال هستند. ۶۹/۶۳ درصد از جمعیت شهرستان گچساران در گروه سنی ۱۵ و بیشتر قرار دارند.

درصد اشتغال در هر یک از بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات به ترتیب معادل ۱۵ درصد، ۳۹ درصد، ۴۶ درصد محاسبه گردیده است. ضریب مکانی بخش صنعت با ۱/۴ گویای پایه بودن این بخش می باشد که از این لحاظ صنعتی بودن در استان در رتبه نخست قرار دارد. ضریب مکانی بخش کشاورزی پایین ترین ضریب مکانی در استان می باشد با ضریب مکانی ۰/۵ یک ناهمگونی بین بخش های صنعت، کشاورزی و خدمات را نشان می دهد.

دلیل پایه ای بودن بخش صنعت در این شهرستان (گچساران) منابع نفت و گازی است که در این شهرستان وجود دارد و دلیل پایین بودن ضریب مکانی بخش کشاورزی یکی نبود آب کافی است، البته با وجود سدهایی که هم اکنون در این شهرستان به بهره برداری رسیده این مشکل می تواند قابل حل باشد و دیگری وجود منابع و ذخایر نفتی در این شهرستان می باشد.

شکل ۲: مقایسه ضریب مکانی (LQ) بخش های مختلف اقتصادی در شهرستان گچساران



جدول ۲: میزان اشتغال و ضریب مکانی بخش های اقتصادی شهرستان گچساران

شاخص بخش	کشاورزی	صنعت	خدمات
تعداد شاغلین	۳۴۹۶	۹۲۵۰	۱۱۲۰۸
درصد اشتغال	۱۵	۳۹	۴۶
ضریب مکانی	۰/۵	۱/۴	۱/۱

شهرستان کهگیلویه:

این شهرستان با جمعیتی معادل ۱۳۲۳۲۸ نفر می باشد و پس از شهرستان بویراحمد دومین شهرستان استان به لحاظ میزان جمعیت محسوب می گردد.

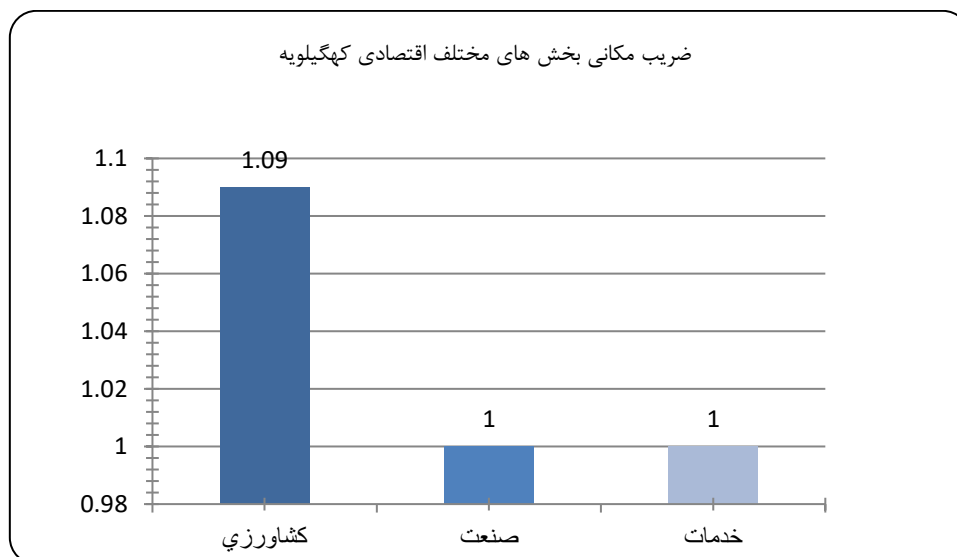
۶۹/۹۳ درصد از جمعیت شهرستان در گروه سنی ۱۵ و بیشتر قرار دارند که ۳۰/۰۷ درصد آن ها شاغل و بقیه جزء غیرفعالین اقتصادی می باشد. درصد اشتغال در بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات در این شهرستان به ترتیب معادل ۳۴ درصد، ۲۶ درصد، ۴۰ درصد محاسبه گردیده است.

در بین بخش های سه گانه، بخش کشاورزی با ضریب مکانی ۱/۰۹ بالاترین میزان را به خود اختصاص داده است. پس از آن بخش خدمات با ضریب مکانی ۱ و صنعت با ضریب مکانی ۱ به عنوان بخش های غیرپایه محسوب می شوند. ساختار سنتی حاکم بر نظام کشاورزی رایج در شهرستان مذکور، قابلیت های محیطی و توان های اکولوژیکی موجود جهت رونق بخش کشاورزی (زراعت، باغداری، دامداری و دامپروری، شکار،

جنگلداری و.....) و قلمرو جغرافیایی وسیع تر در مقایسه با سایر شهرستان های استان، از جمله مهمترین دلایل تحقق ضریب مکانی مذکور می باشد.

در بخش خدمات این شهرستان بعد از شهرستان بویراحمد و گچساران در رتبه سوم قرار دارد. یکی از دلایل تحقق ضریب مذکور مهاجرت افراد به شهر می باشد. در بخش صنعت این دلیل نزدیکی با شهرستان چرام می باشد، که وجود کارگران فصلی و جمعیتی که به تولید صنایع دستی می پردازند در تحقق این ضریب مکانی دخیل می باشند.

شکل ۳: مقایسه ضریب مکانی (LQ) بخش های مختلف اقتصادی در شهرستان گچساران



جدول ۳: میزان اشتغال و ضریب مکانی بخش های اقتصادی شهرستان کهگیلویه

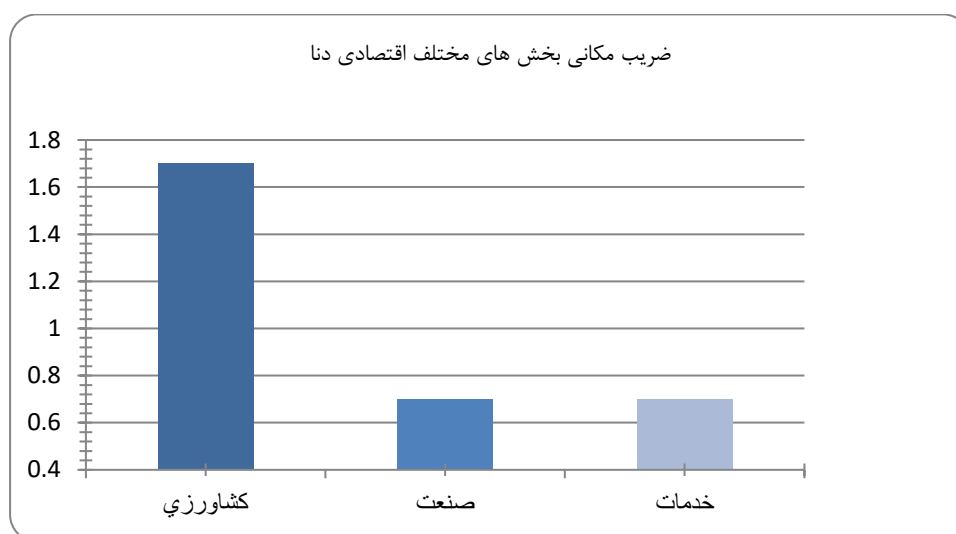
شاخص بخش	کشاورزی	صنعت	خدمات
تعداد شاغلین	۱۰۶۱۶	۷۹۲۸	۱۲۳۴۳
درصد اشتغال	۳۴	۲۶	۴۰
ضریب مکانی	۱/۰۹	۱	۱

شهرستان دنا:

شهرستان دنا از نظر جمعیت چهارمین شهرستان می باشد. این شهرستان دارای جمعیتی معادل ۴۳۰۶۵ نفر می باشد که ۶۱/۷۰ درصد از جمعیت این شهرستان مربوط به گروه های سنی ۱۵ ساله و بیشتر می باشد که ۳۸/۳۰ درصد شاغل و بقیه جزء جمعیت غیرفعال می باشند. بخش کشاورزی با ۵۳ درصد اشتغال، بخش خدمات با ۲۸ و بخش صنعت با ۲۹ درصد اشتغال به ترتیب بالاترین و پایین ترین بخش پایه را به خود اختصاص داده اند که بخش کشاورزی با ضریب مکانی ۱/۷ درصد به عنوان بخش پایه و بالاترین ضریب مکانی در استان را دارا می باشد. بخش خدمات با ضریب مکانی ۰/۷ هر چند بخشی غیرپایه محسوب می گردد و قبل از بخش صنعت با ضریب مکانی ۰/۷ قرار دارد. در مقایسه با شهرستان های استان ضریب مکانی بخش کشاورزی در این شهرستان بالاترین ضریب در استان می باشد. وجود زراعت، باغداری (گردو، سیب، انگور.....) قابلیت های محیطی - اکولوژیکی، خصوصاً در زمینه باغداری نتیجه ضریب مکانی مذکور می باشد که این بخش را به صورت بخشی پایه شکل داده است.

بخش خدمات با ضریب مکانی ۰/۷ می باشد. نزدیکی مرکز این شهرستان (سی سخت) به شهر یاسوج (مرکز استان) و حرکت جمعیت بین این شهرستان با مرکز استان جهت کار روزانه در بخش خدمات بی تأثیر نبوده است. بخش صنعت با ضریب مکانی ۰/۷ در پایین ترین رتبه قرار دارد. وجود آب های روان و جاری باعث به وجود آمدن طرح های پرورش ماهی در این شهرستان شده است.

شکل ۴: مقایسه ضریب مکانی (LQ) بخش‌های مختلف اقتصادی در شهرستان دنا



جدول ۴: میزان اشتغال و ضریب مکانی بخش‌های اقتصادی شهرستان دنا

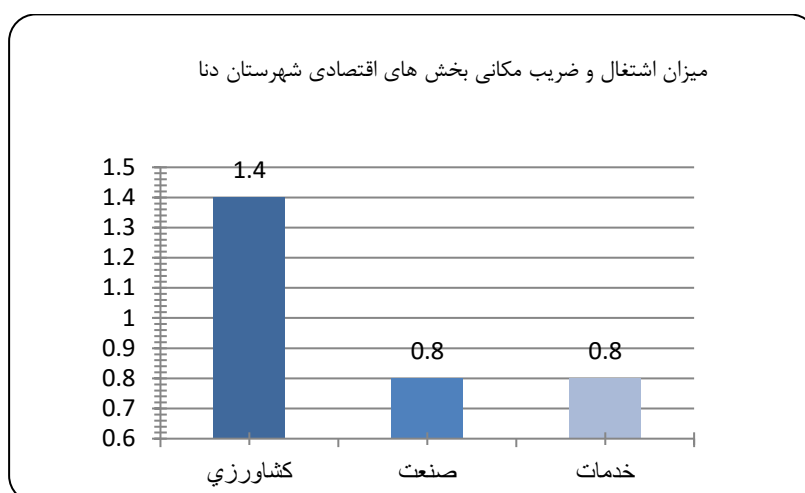
شاخص بخش	کشاورزی	صنعت	خدمات
تعداد شاغلین	۶۹۲۸	۲۴۳۵	۳۶۷۵
درصد اشتغال	۵۳	۱۹	۲۸
ضریب مکانی	۱/۷	۰/۷	۰/۷

شهرستان بهمنی:

این شهرستان دارای جمعیتی معادل ۳۷۰۴۸ نفر می‌باشد. ۲۸/۴۱ درصد جمعیت آن شاغل و بقیه غیرشاغل می‌باشند. سهم هر یک از بخش‌های مختلف اقتصادی در ایجاد اشتغال به ترتیب معادل ۴۳ درصد در بخش کشاورزی، ۲۲ درصد در بخش صنعت و ۳۵ درصد در بخش خدمات می‌باشد. ضرایب مکانی محاسبه شده برای هر یک از بخش‌های سه گانه به ترتیب معادل ۱/۴، ۰/۸ و ۰/۸ می‌باشد. بنابراین بخش کشاورزی به عنوان بخشی پایه و بخش‌های صنعت و خدمات در وضعیتی بسیار پایین‌تر از بخش کشاورزی به عنوان بخشی غیرپایه محسوب می‌گردند.

بخش صنعت با ضریب مکانی ۰/۸ در رتبه‌ی دوم قرار دارد و بخش خدمات با ضریب مکانی ۰/۸ در رتبه سوم می‌باشد. ماهیت سنتی ساختار کشاورزی حاکم در این شهرستان و رونق دامداری و دامپروری و گستردگی قلمروهای زراعتی باعث بالا بودن ضریب مکانی در این بخش شده است.

شکل ۵: سه ضرایب مکانی (LQ) بخش‌های مختلف اقتصادی در شهرستان بهمنی



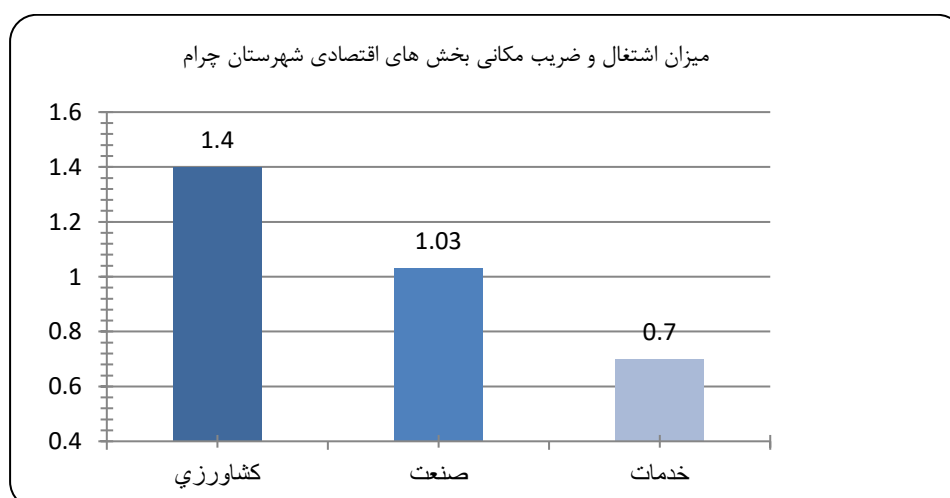
جدول ۵: میزان اشتغال و ضریب مکانی بخش‌های اقتصادی شهرستان بهمنی

شاخص بخش	کشاورزی	صنعت	خدمات
تعداد شاغلین	۳۱۰۰	۱۵۱۸	۲۵۲۷
درصد اشتغال	۴۳	۲۲	۳۵
ضریب مکانی	۱/۴	۰/۸	۰/۸

شهرستان چرام

این شهرستان دارای جمعیتی معادل ۳۲۱۵۹ نفر می‌باشد. ۳۳/۵۵ درصد جمعیت آن شاغل و بقیه غیرشاغل می‌باشند. سهم هر یک از بخش‌های مختلف اقتصادی در ایجاد اشتغال به ترتیب معادل ۴۴ درصد در بخش کشاورزی، ۲۷ درصد در بخش صنعت و ۲۹ درصد در بخش خدمات می‌باشد. ضرایب مکانی محاسبه شده برای هر یک از بخش‌های سه گانه به ترتیب معادل ۱/۴، ۱/۰۳ و ۰/۷ می‌باشد.

شکل ۶: سه ضرایب مکانی (LQ) بخش‌های مختلف اقتصادی در شهرستان چرام



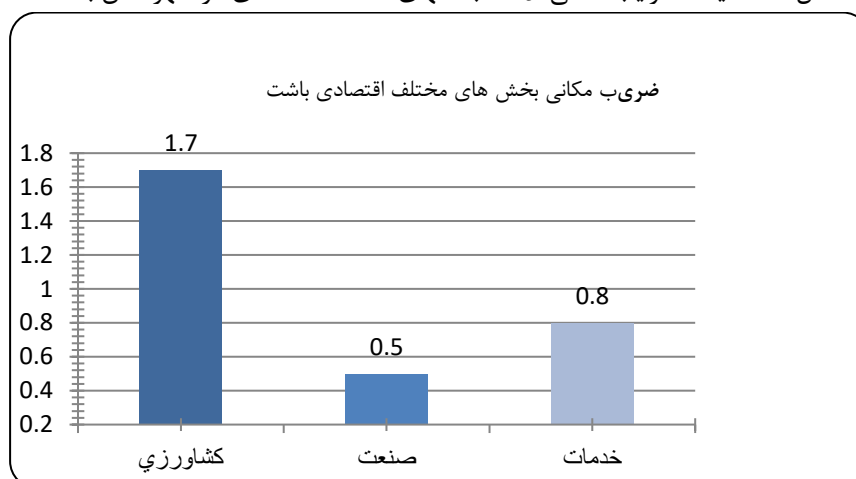
جدول ۶: میزان اشتغال و ضریب مکانی بخش‌های اقتصادی شهرستان چرام

شاخص بخش	کشاورزی	صنعت	خدمات
تعداد شاغلین	۳۷۱۵	۲۳۱۳	۲۴۴۴
درصد اشتغال	۴۴	۲۷	۲۹
ضریب مکانی	۱/۴	۱/۰۳	۰/۷

شهرستان باشت:

این شهرستان با جمعیتی معادل ۲۰۶۹۹ نفر می‌باشد و از لحاظ میزان جمعیت پایین‌ترین جمعیت استان را شامل می‌شود. ۶۶/۹۸ درصد از جمعیت شهرستان در گروه سنی ۱۵ و بیشتر قرار دارند که ۳۳/۰۲ درصد آن‌ها شاغل و بقیه جزء غیرفعالین اقتصادی می‌باشند. درصد اشتغال در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات در این شهرستان به ترتیب معادل ۵۴ درصد، ۱۳ درصد، ۳۳ درصد محاسبه می‌گردد. ضرایب مکانی محاسبه شده برای هر یک از بخش‌های سه گانه به ترتیب معادل ۱/۷، ۰/۰۵ و ۰/۸ می‌باشد.

شکل ۷: مقایسه ضرایب مکانی (LQ) بخشهای مختلف اقتصادی در شهرستان باشت



جدول ۷: میزان اشتغال و ضریب مکانی بخش‌های اقتصادی شهرستان باشت

شاخص بخش	کشاورزی	صنعت	خدمات
تعداد شاغلین	۲۹۰۹	۷۲۶	۱۷۷۲
درصد اشتغال	۵۴	۱۳	۳۳
ضریب مکانی	۱/۷	۰/۵	۰/۸

نتیجه گیری:

نتایج حاصله نشان می‌دهد که تفاوت محسوسی در میزان اشتغال و درصد شاغلین در انواع فعالیت‌های اقتصادی سه گانه در سطح شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد وجود دارد.

بر این اساس بخش کشاورزی به ترتیب در شهرستان‌های دنا، کهگیلویه، بهمنی، چرام و باشت به عنوان بخشی پایه محسوب می‌شود و بالاترین ضریب مکانی را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که این بخش در شهرستان‌های بویراحمد و گچساران بخشی غیرپایه محسوب می‌شود.

نکته قابل توجه این که بخش صنعت در شهرستان گچساران با ضریب مکانی بالا (۱/۴) بالاترین ضریب مکانی در مقایسه با سایر شهرستان‌های استان قرار دارد که بالا رفتن ضریب مکانی این بخش علاوه بر صنایع دستی مردمان این شهرستان، وجود شرکت‌های نفت و گاز می‌باشند که این بخش را به عنوان بخشی پایه در آورده است. شهرستان بویراحمد به عنوان مرکز استان بالاترین ضریب مکانی در بخش خدمات را به خود اختصاص داده است.

پیشنهادهات:

۱- بررسی و شناخت توان‌های محیطی در سطح هر یک از شهرستان‌های استان و توجه به بخش‌های عقب مانده در استان.
۲- هدایت اعتبارات دولتی در بخش‌های عقب مانده و غیر پایه: چنانچه راندینلی (Randinelli) نیز تأثیر سرمایه گذاری‌های دولتی را برای توزیع متعادل جمعیت و فعالیت‌های تولیدی - اقتصادی مهم ارزیابی کرده و بر توزیع راهبردی سرمایه گذاری‌ها تأکید دارد (سلطانی، ۱۳۸۰: ۱۷)

۳- درست است که سه شهرستان بهمنی، دنا، کهگیلویه دارای خدماتی هم‌ردیف و برابرند اما در شهرستان‌های بویراحمد به دلیل تمرکز اشتغال و در شهرستان گچساران که در این بخش پایین‌تر از همه شهرستان‌ها می‌باشد، به دلیل اشتغال کمتر، یک نوع ناهمگونی را بوجود می‌آورد. که با برنامه ریزی صحیح می‌توان موجب موزون شدن آن‌ها با بقیه شهرستان‌ها گردد.

۴- در چند سال اخیر بیشترین آمار بیکاران کشور مربوط به این استان (کهگیلویه و بویراحمد) بوده که با تلاش مسئولین استانی و مدیران و برنامه ریزانی شهری می‌توان به کاهش این آمار، با توجه کردن به بخش‌های غیرپایه و عقب مانده نمود.

۵- براساس تجربیات گذشته تعادل در توسعه اقتصادی مناطق به عنوان امری مهم برای دسترسی مردم فقیر روستایی و شهری دور افتاده به منابع تولید، فرصت‌های شغلی و استفاده از سرویس‌های اجتماعی و رفاه عمومی می‌باشد (مؤمنی، ۱۳۷۷: ۶۲)

لازم است تا با تمام منابع مادی و معنوی و برنامه ریزی جامع و مدرن در جهت ایجاد اشتغال پایدار، افزایش درآمد سرانه، ارتقاء میزان پس انداز و هدایت مناسب اندوخته‌های مردمی در بخش‌های خصوصی تعاونی و دولتی در جهت رفع فقر و بیکاری از چهره مناطق شهری و روستایی استان و دستیابی به عدالت اجتماعی و توسعه پایدار گام برداشت.

منابع

- احمدی کیش. ع و ذکریا م. (۱۳۹۱). بررسی نقش تعاونیهای تولید کشاورزی در توسعه کارآفرینی شهرستان بویراحمد. همایش منطقه تولید ملی حمایت از کار و سرمایه ایرانی دانشگاه. پیام نور استان کهگیلویه و بویر احمد.
- آسایش، ح. (۱۳۷۴). اقتصاد روستایی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- بلالی، ح و خلیلیان، ص. (۱۳۸۲). تأثیر سرمایه گذاری بر اشتغالزایی و تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی ایران. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه سال یازدهم شماره ۴۱ و ۴۲ بهار و تابستان ۱۳۸۲
- بیرو، آ. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی؛ تهران: انتشارات کیهان.
- سلطانی، ع (۱۳۸۰). شیراز شهر امروز کلان شهر فردا، از مجموعه مقالات نشریه پویش، سال چهارم، شماره ۱۸، فارس: سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۰.
- سالنامه آماری استان کهگیلویه و بویر احمد (۱۳۹۰). معاونت آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان.
- صرافی، م. (۱۳۷۹). مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی، دفتر آمایش سرزمین.
- زیاری، ک. (۱۳۸۰). بررسی، تحلیل و برنامه ریزی اشتغال در استان یزد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۶۱.
- گروه مولفان. (۱۳۷۴). نظریه‌های اقتصادی و اقتصاد توسعه یافته، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- محمدی، ا و نمکی، م. (۱۳۷۵). فرضیه‌های ایجاد اشتغال و نقش آن در توسعه روستایی، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده، همدان بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- مؤمنی، م. (۱۳۷۷). اصول و روشهای برنامه ریزی ناحیه‌ای: انتشارات گویا.
- نتایج تفصیلی سرشماری عمومی و مسکن سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران.

Heintz, James, (2010), The structure of employment, globalization, and economic crisis: rethinking contemporary employment dynamics with a focus on the U.S. and Japan. Political economy research institute.

Klosterman, Richard E. (1990), Community and analysis planning techniques, Rowman & Littlefield Publishers, Inc., Savage, Maryland, Ch. 12.

Nomaan, Majid, (2005), On the evolution of employment structure in developing countries. Employment strategy department.